نوشتهٔ پیکارپامیر

معجون مرکب پارلمانی در افغانستان

عاقبت، در پایان چهار سال تلاش به منظور نهادینه کردن دولت نو بنیاد آقای کرزی در افغانستان (پس از سقوط دارو دستهٔ متحجرطالبان)، اینک، پارلمان یا قوه مقننه در کشور ایجاد گردیده است. یکی از فیصله های کنفرانس بن که تحت نظارت و رهبری مستقیم ایالات متحده در اخیر سال ۲۰۰۱م در المان دایر شد، ایجاد پارلمان و انتخابات آن بود و اما، این چگونه یک شورای ملی است که بکار آغاز کرده است ؟
هرچند عدهٔ را عقیده بر اینست که کنفرانس بن علی الرغم همه نوع کاستی هایش، همینکه تدویر انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی و نهایتا تشکیل شورای ملی پس از سالها بی پارلمانی را در پی داشت، خود غنیمتی است و بنابرآن باید ازآن ناحیه خوشنود بود و آنرا حمایت کرد . . . واما، عدهٔ دیگری میگویند تشکیل و تدویر کنفرانس بن از اساس ناقص و عاری از عنصر دیموکراسی بود، زیرا اشتراک کننده گان در این کنفرانس را صرفا نماینده های جناح های در گیر جنگ و مورد حمایت ایالات متحده تشکیل میداد و نماینده های واقعی مردم و روشنفکران آگاه و آزادیخواه افغانستان دران سهمی نداشتند. اینان استدلال مینمایند که جون فیصله های کنفرانس بن همه رو بنایی، معامله گرانه، مصلحت آمیز و عمدتا مبنی برتقسیم کرسی های دولتی بوده است، بنابران، پیامد های آن نیز ظرف چهار سال گذشته همه میان خالی، غیر دموکراتیک، ضد منافع ملی و مغایر خواستهای مردمی بوده است .
واقعیت درون کنفرانس بن هم همین بود که متآسفا نه بحث ها و جدالهای چندین روزهٔ آن پیرامون هدف امتیازخواهی ها و قدرت طلبی ها و بدست آوردن " سهمیه " جهادی و قومی و زبانی در دولت آینده می چرخید تا گذشت متقابله و رعایت منافع ملی و خدمتگزاری به مردم دردمند افغانستان. برای ایالات متحده و دوستان بین المللی اش که تنها ساختار یک دولت کارتونیک، تابع و فرمان بردار در افغانستان فردا مطرح بود، از همان مرحلهٔ اول اقدامات سیاسی – نظامی علیه گروه متحجر " طالبان "، برنامه های آینده اش را باساس مصلحت بینی های سیاسی، تبانی و سازش با متحدین غربی و دوستان منطقه یی اش و همچنان، حمایت از تفنگداران و حتا جنایتکاران جنگی داخل افغانستان و عدم رعایت خواست های برحق مردم پی ریزی نمود. تقسیم کرسی های دولتی باساس میراث " تنظیمی "، قومی و... موجب گردید بعوض آنکه افراد و عناصر دلسوز، دانشمند، کاری و وطنپرست دعوت به خدمتگزاری به مردم افغانستان شوند، پهلوان پنبه های بیسواد "جهادی" و " قیادی" و ناقضین شناخته شدهٔ حقوق بشر و سلاح داران زن بارهٔ چپاولگر یکبار دیگر بالا کشیده شده حاکم بر سر نوشت ملت عذاب دیدهٔ افغانستان گردانیده شوند. در حالیکه توقع مردم این بود که علاوه از قطع جنگ و تآمین صلح و تهیه لب نان برای محرومین و مظلومین، عدالت غرض محاکمهٔ جنایتکاران جنگی، شکنجه گران حرفه یی و متجاوزین بر مال و ناموس مردم که در درطول تقریبا سه دههٔ اخیر دود از دمار خلق الله کشیده اند، به معرض اجرا گذارده شود .
تبانی و سازش ایالات متحده با همسایه های افغانستان، بخصوص با روسیه و پاکستان موجب گردید تا عناصر"خلقی – پرچمی" مورد حمایت روسیه مانند (تنی)، (گلابزوی)، (علومی) و . . . از یکطرف و آدمکشان "جهادی" و " طالبی" مانند (ملاسلام راکتی)، (ملا قلم الدین) و ملا ... و جانیان دیگراز همین قماش، هم در ترکیب دولت و هم در داخل پارلمان تازه تشکیل افغانستان جا بجا ساخته شوند. حال، ملاحظه میشود که به استثنآ تنی چند از زنان و مردان مستقل و وطندوست، تجمعی از مار ها عقربها و یا خزنده ها و درنده ها در زیر یک سقف بنام پارلمان گرد آورده شده اند. خزنده و درندهٔ که هرچند بصورت کل مطیع و منقاد ابر قدرت ایالات متحده هستند، ولی میان خودشان خصومت ورزیهای خاص نیز وجود دارد و این خصومت ورزیها احتمالا در آیندهٔ نه چندان دور به جدالهای مشهودی منجر خواهد شد. بعباره ی دیگر، این مارها و عقربها هرچند زیر کنترول ارباب و در چنبر افسون (مارگیر) قرار دارند، اگر از یکطرف به نیش زنی و خصومت ورزی علیه یکدیگرخواهند پرداخت، از سوی دیگر، کلا خصم جان و مال و دشمن سوگند خوردهٔ مردم افغانستان نیز بوده و خواهند بود .
شکلگیری و گرد آوری یک چنین ترکیب معجون مرکب بنام نماینده های مردم افغانستان در محل قانون گزاری کشور و جلو گیری از ورود نماینده های شایسته و واقعی مردم دران محل، بار دیگر نقاب عاریتی را از چهرهٔ صادر کننده گان دیموکراسی به افغانستان فرو افگند و ارزشهای ملی مردم افغانستان علنا به سخریه گرفته شد. اگر کسی هست که بگو ید آخر بگذارید دشمنان سوگند خوردهٔ دیروز بجای جنگ و خونریزی از راهِ گذشت و مدارا پیش آمده یکدیگر را تحمل نمایند، فکر خوبی دارند، مشروط بر آنکه از یکطرف این دشمنان یکدیگر و در عین حال، دشمنان اکثریت مردم مظلوم و محروم کشور از اعمال و کردار ویران گرانه و آدمکشانه ی قبلی شان رسما و علنا اظهار ندامت نموده از ملت افغانستان پوزش خواسته باشند و از سوی دیگر، این تجمع پارلمانی غرض انجام

خدمت به مردم و جبران عملکرد های ضد مردمی شان (نه بخاطر حصول مصونیت پارلمانی در برابر محاکمه و مجازات) صورت گرفته باشد که یقینا نه چنان خواهد بود و نه چنین.
پس، آنچه تا کنون بنام پروسه انتخاباتی و تشکیل شورای ملی و . . . در افغانستان انجام داده شده است، تنها درامهٔ بوده و هست در جهت فریب افکار عامه وا قناع ظاهر سازانهٔ ممالک مساعدت کنندهٔ جهان و در یک کلام، مالید ن سرخاب دیموکراسی به روی دولت آقای کرزی و حامیان خارجی آن. در غیر آن کیست نداند که وقتی اکثریت مردم جامعه قادر نباشند و یا حق نداشته باشند متکی به ارادهٔ مستقل و شعور ملی و سیاسی خویش بدون تهدید و تخویف و تخلف و . . . نماینده های صادق و واقعی شان را انتخاب و به پارلمان بفرستند، هیچگونه آزادی و دموکراسی در آنجا وجود نخواهد داشت .
به امید آنکه اوضاع در افغانستان ویرانه طوری سیر کند که شرایط برای تطبیق دیموکراسی، عدالت واقعی، پارلمان مردمی و محاکمهٔ جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر و نهایتا، بر قراری حاکمیت برحق مردم بدون امر و نهی بیگانه گان فراهم آید که خواهد آمد .

پایان